

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۱۳

صفحات: ۱۲۹-۱۵۳

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه

خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

فاطمه قیمی بشنو

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه یزد، یزد، ایران.

سیدمحسن میرحسینی*

استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

ترکیه و اسرائیل با هدف ایجاد ثبات و رشد اقتصادی و کاهش تنش‌های سیاسی اقدام به برقراری روابط اقتصادی و فرهنگی نمودند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است که پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ چیست؟

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با هدف توسعه و گسترش رشد اقتصادی در برابر کشورهای عربی، ایجاد هژمونی اقتصادی و تلاش برای صادرات گاز به اروپا، منزوی ساختن ایران در منطقه، اقدام به گسترش روابط با ترکیه نمود. از سوی دیگر، اسرائیل تلاش نمود تا از طریق رابطه با ترکیه، شوک ناشی از تغییرات فرهنگی را در منطقه خاورمیانه کاهش دهد. هویت‌سازی جدید، پذیرش هولوکاست از سوی ترکیه، توسعه گردشگری، شکل‌گیری هویت مشترک، نهادسازی سبب کاهش هزینه‌های عادی‌سازی روابط دولتهای عربی و اسرائیل شد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: پیامد، اقتصادی، فرهنگی، ترکیه، اسرائیل، خاورمیانه.

مقدمه

ترکیه نخستین کشور در منطقه خاورمیانه بود که اسرائیل را در ۱۹۴۸ به رسمیت شناخت، اما آنکارا و تل آویو نتوانستند روابط خود را به چنان سطحی از همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی برسانند که امروزه بتوان آن را خوب و یا حتی عادی نامید. ظهور ائتلاف میان ترکیه و اسرائیل در خاورمیانه که بعد از فروپاشی شوروری در ۱۹۹۱ رخ داد، سبب تحکیم روابط ترکیه و اسرائیل گردید و با گذشت زمان، از جنبه امنیتی و نظامی به جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز سرایت نمود. هدف مشترک ترکیه و اسرائیل، رشد اقتصادی و افزایش رفاه در کشورهاشان بوده است و از سویی، سبب تاثیرات و پیامدهایی مانند افزایش قدرت نظامی ترکیه و اسرائیل و مشروعیت اسرائیل شد و به الگویی اقتصادی برای کشورهای منطقه تبدیل نمود.

با توجه به این امر که مقدار مشخصی از عنصر انسان (جمعیت)، در داخل مکان مشخص (جغرافیا)، در دوره زمانی مشخص (تاریخ)، با حس هویت و دارایی‌های متعلق به خود، با تکیه بر دنیای ارزش‌ها از سنگ بناهای روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرهنگ را تشکیل می‌دهند و فرهنگ مهمترین عنصری است که ظرفیت‌های بالقوه یک کشور را به داده‌های ثابت قدرت آن مرتبط می‌سازد. این عنصر از طرفی موجب ظهور داده‌های ثابت قدرت در روند جاری گشته، از طرف دیگر، نقش محرک اصلی برای به حرکت درآوردن ظرفیت‌های بالقوه را ایفا می‌کند. ترکیه و اسرائیل تلاش نمودند تا با استفاده از عوامل فرهنگی بر چالش‌های داخلی و منطقه‌ای غلبه نمایند و به برقراری صلح در منطقه تلاش نمایند. رشد اقتصادی ترکیه و اسرائیل همراه با مناسبات فرهنگی گسترده سبب ارائه الگویی جدید از مناسبات سیاسی در منطقه خاورمیانه شد.

۲. پیشینه پژوهش

حمید احمدی (۱۳۹۶)، در مقاله «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی» درصدد پاسخ گویی به این سوال است که روابط اقتصادی اسرائیل با همسایگان و کشورها و بازیگران پیرامونی، چه تأثیری در عادی‌سازی روابط داشته است؟ یافته‌های این اثر نشان می‌دهد که این رژیم در پوشش روابط اقتصادی به دنبال عادی‌سازی روابط سیاسی و گسترش روابط امنیتی با این کشورهاست. روابط و مناسبات اقتصادی اسرائیل در منطقه از ۳ الگو پیروی می‌کند. روابط اقتصادی پایدار با هدف کنترل و ممانعت از بروز و گسترش تنش، روابط اقتصادی کم بازده با هدف حضور در مناطق استراتژیک و نفوذ دیپلماتیک به منظور عادی‌سازی و گسترش روابط امنیتی. این مقاله در شناخت اهداف اقتصادی اسرائیل و تلاش برای رابطه با ترکیه و سایر کشورهای هم‌جوار ایران بسیار مفید است. اما پیامدهای روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه که هدف پژوهش حاضر است را بررسی نکرده است.

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه ♦

اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه» درصدد پاسخ به این سوال هستند که آیا مدل سیاسی-اقتصادی ترکیه همچنان در خاورمیانه رواج دارد یا خیر؟ هدف نویسندگان، بررسی نقش ترکیه در بوجود آوردن دموکراسی، توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و ایجاد یک نقش مرجعیت سیاسی در اختلافات منطقه‌ای است. نویسندگان بیان می‌کنند که ترکیه با رواج شاخص‌های الگوی خود در تلاش است که کشورش را به عنوان یک الگو در منطقه معرفی کند. ترکیه علی‌رغم کسب توفیق در مراحل ابتدایی، در ادامه با ناکامی‌های پی‌درپی مواجه شده است. مسائل داخلی ترکیه در کنار مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی باعث شده است مدل مورد نظر مانند گذشته جذابیت نداشته و در عمل، با شکست مواجه گردد. مقاله حاضر دارای برخی تفاوت‌های موضوعی با مقاله پیش رو است.

اُزلو (۲۰۱۰) در مقاله «تغییر دینامیک روابط ترکیه و اسرائیل: بر اساس ساختار واقع‌گرایی»، به بررسی تغییر دینامیک روابط ترکیه با اسرائیل در سال‌های اخیر از دیدگاه ساختار واقع‌گرایانه می‌پردازد. استدلال اصلی نویسنده این است که باید تلاش هر دو کشور را در ایجاد روابط استراتژیک قوی در دهه ۱۹۹۰ به صورت قانع‌کننده‌ای از دیدگاه ساختار واقع‌گرایانه مورد بررسی قرار داد که موجب بروز همکاری‌های بین‌کشوری و تنش می‌گردد و باید آنها را در درون نظام مورد ملاحظه قرار داد. ولی از آنجائیکه از نظر موضوعی به تحولات و پیامدهای روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ توجهی ندارد، این موضوع باعث تفاوت این مقاله با این اثر می‌گردد.

بدین ترتیب، بررسی‌های به عمل آمده توسط نویسندگان حاکی از عدم وجود منبع مستقلی در خصوص پژوهش پیش رو می‌باشد. لذا، مقاله حاضر در تلاش است تا به پیامدهای اقتصادی و فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل در طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ در منطقه خاورمیانه بپردازد تا بتواند خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی پر کند.

۳. پیامد اقتصادی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه بین سال‌های

۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

ترکیه برای گسترش نفوذ خود در منطقه، با سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل همسو شده و حضور آن را مکمل فعالیت‌های خود می‌داند، چرا که ترکیه برای سرمایه‌گذاری در منطقه با محدودیت‌های مالی مواجه بود و توانمندی تکنولوژیک و اقتصادی اسرائیل می‌توانست کمبودهای ترکیه را در این مسیر جبران کند. اسرائیل از طریق نزدیکی به ترکیه درصدد است که از مجرای روابط اقتصادی و تجاری، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه داده و به

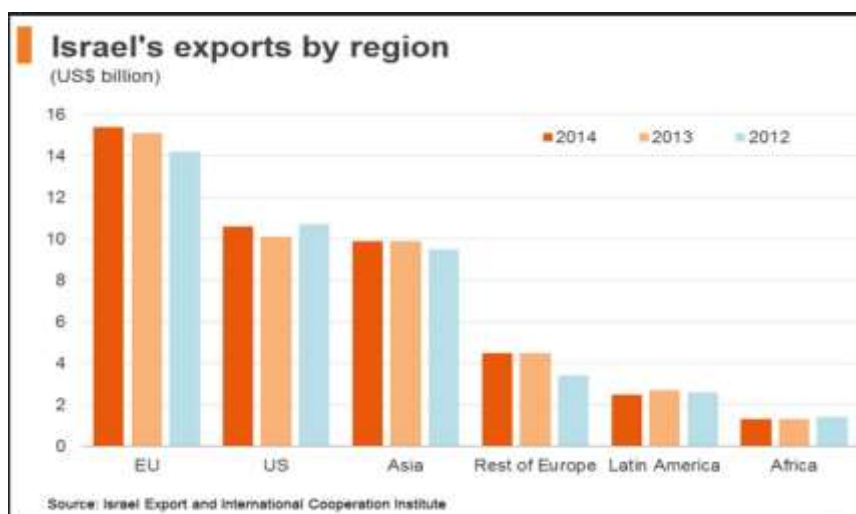
◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———

تدریج، عمق استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد. تلاش برای جلب همکاری کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی برای کاهش فشار علیه اسرائیل، رفع بحران مشروعیت بین‌المللی و جلوگیری از تشکیل جبهه ضداسرائیلی در منطقه از اهداف گسترش روابط اقتصادی اسرائیل در منطقه است (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۶۴-۲۶۳). اتحاد راهبردی دو کشور این فرصت را به اسرائیل داد تا از انزوای منطقه خاورمیانه خارج شود، متحد نظامی قابل اعتمادی داشته باشد و از فرصت‌های اقتصادی بهره‌برداری نماید. بر این اساس، اسرائیل توانست عملاً سوریه را در محاصره بگیرد و بر مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز نزدیک شود (Bingo, ۲۰۰۴: ۶۴۷).

۳-۱. عادی‌سازی روابط اقتصادی اسرائیل و کشورهای منطقه خاورمیانه

در فرآیند عادی‌سازی چهره اسرائیل در منطقه که حاصل فرآیند دموکراتیزه‌سازی خاورمیانه است، ترکیه نقش مهمی در آن بازی می‌کند. نکته بسیار اساسی در مورد اسرائیل، حضور اسرائیل در سیستم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه است، که ذهن بسیاری از دولتمردان و رهبران خاورمیانه را به خود مشغول داشته است. در هرحال، ادغام اسرائیل در درون سیستم خاورمیانه با حمایت آمریکا و با کمک ترکیه، موجب تغییرات اساسی در موقعیت منطقه‌ای و نقش سنتی این کشور در سیستم می‌شود (سنایی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۶).

جدول ۱. صادرات اسرائیل به بازارهای منطقه‌ای



<http://economists-pick-research.hktdc.com>

۲-۲. صادرات گاز اسرائیل با همکاری مصر، اردن

اسرائیل تجربه بسیار مهمی از شکست خود در عادی‌سازی روابط اقتصادی با مصر پس از معاهده سازش در کمپ دیوید به دست آورد؛ زیرا به این نتیجه رسید که نمی‌تواند از طریق مصر و با عنوان اسرائیل، وارد ترتیبات اقتصادی جهان عرب شود، بلکه فقط با پوششی عربی و از راه برقراری پل‌های اقتصادی- به شکلی که منافع دو طرف را تأمین کند- می‌تواند با اعراب وارد معامله شود؛ در نتیجه، اسرائیل از این راه به راحتی می‌تواند به کارگر ارزان از کرانه غربی و نوار غزه دست یابد. اسرائیل با تشکیل دولت وحدت ملی و اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی و دریافت کمک اضطراری از سوی ایالات متحده کوشید تا از تبدیل رکود اقتصادی به بحرانی ملی جلوگیری کند. در این راستا، عادی‌سازی و گسترش روابط اسرائیل با کشورهای عربی جهت دسترسی آسان‌تر به منابع انرژی فراوان و ارزان قیمت منطقه- که از آن جمله به طرح‌های انتقال نفت و گاز از مصر به اسرائیل می‌توان اشاره کرد- تأکیدی بر توسعه و گسترش سلطه اقتصادی اسرائیل بر کشورهای عربی خاورمیانه به عنوان یک استراتژی جدید است. اسرائیل به گسترش روابط اقتصادی بیش از روابط سیاسی اهمیت می‌دهد. اسرائیل می‌کوشد در بازارهای اقتصادی و تجاری کشورهای خاورمیانه فعالانه مشارکت کند (عیوضی، ۱۳۸۷).

اسرائیل یکی از مهمترین معامله‌ها از زمان برقراری صلح در چهار دهه پیش را با مصر امضاء نمود. اسرائیل در توافق برجسته، صادرات گاز طبیعی به مصر را آغاز نمود. اسرائیل منافع سیاسی منطقه‌ای را در این توافق در نظر دارد و حتی انتظار دارد بتواند صادرات گاز به اروپا را نیز انجام دهد. شرکت خصوصی دلفینوس هولدینگز^۱ در مصر ۸۵ میلیارد متر مکعب بنزین به ارزش تقریبی ۱۹/۵ میلیارد دلار از مناطق لویاتان^۲ و تمار^۳ در اسرائیل را طی ۱۵ سال خریداری کرده است. وزیر انرژی اسرائیل بیان کرد این توافق، آغاز همکاری با مصر خواهد بود و دوره جدیدی را در بخش انرژی در خاورمیانه ایجاد می‌کند. گاز از طریق خط لوله زیرساختی شبه‌جزیره سینا، اسرائیل و مصر را به هم وصل می‌کند.

مقامات اسرائیلی، صادرات بنزین به مصر را مهمترین معامله از زمان امضای معاهده صلح تاریخی سال ۱۹۷۹، صادر شده است، خوانده‌اند؛ این واقعیت که سه کشور اسرائیل، مصر و اردن اکنون با هم همکاری می‌کنند و پیش از این از طریق یک سیستم انتقال گاز منطقه‌ای در ارتباط هستند. این پروژه به صلح و امنیت در خاورمیانه کمک خواهد کرد. مصر، تولید گاز خود را در سالهای اخیر افزایش داده است، امیدوار است که توافقنامه با اسرائیل این کشور را به قطب

۱. Dolphinus Holdings

۲. Leviathan

۳. Tamar

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
 انرژی منطقه‌ای تبدیل کند. مصر همچنان انتظار دارد مقداری از این گاز از طریق کارخانه‌های گاز طبیعی مایع^۱ به اروپا صادر شود. اسرائیل در مورد صادرات بنزین مازاد به آسیا از طریق کانال سوئز با مصر و هند مذاکره نموده است و مصر در آینده می‌تواند به اسرائیل، قبرس و یونان در پروژه خط لوله گاز ایست‌مید^۲ که اخیراً امضا شده است، بپیوندد (Lewis, Rabinovitch: ۲۰۲۰).

تخمین زده شد که اسرائیل بین ۸۰۰ بیلیون تا ۱ تریلیون متر مکعب (مترمربع) گاز طبیعی داشته باشد. میزان مصرف داخلی در حدود ۱۰ میلیارد مترمربع در سال است. در سال ۲۰۱۷، این حدود ۳۵ درصد از کل مصرف انرژی مربوط بود. با این حال، بهره‌برداری از میدان بنزین برای صادرات این مازاد بنزین تاکنون پیشرفت نکرده است. این نتیجه سیاست انرژی شتابزده اسرائیل است که نتیجه بحران انرژی ۲۰۱۳-۲۰۱۱ است (۴: wolfrum, ۲۰۱۹).

نقشه ۱. میدان‌های گازی اسرائیل



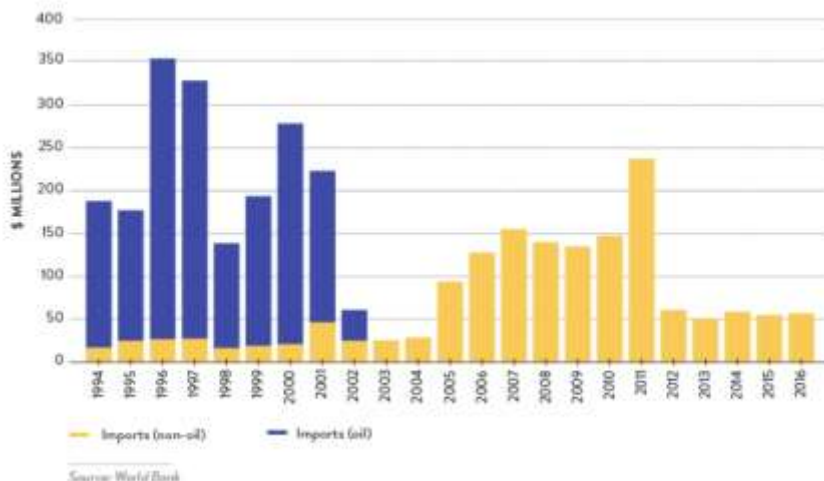
(Konrad-Adenauer-Stiftung e. V., ۲۰۱۹: ۸)

۲-۳. رشد روابط اقتصادی بین کشورهای منطقه خاورمیانه و اسرائیل تا اوایل سال ۲۰۰۰، بیشتر واردات اسرائیل از مصر، محصولات نفتی بود. محصولات غیرنفتی

^۱. LNG
^۲. EastMed

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه \diamond
 معمولاً ناچیز و به حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار در سال رسید. کل واردات، از جمله نفت، بین
 ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیون دلار ارزش داشت که حدود ۱ درصد از کل واردات اسرائیل بود (Gal and
 Rock, ۲۰۱۹: ۸)

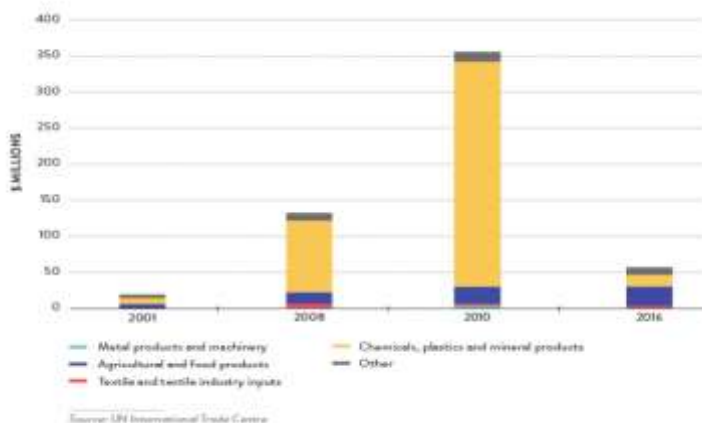
جدول ۲. واردات کالاهای اسرائیلی از مصر ۱۹۹۶-۲۰۱۴



(Gal and Rock, ۲۰۱۹: ۸)

در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰، واردات نفت تقریباً متوقف شد و گاز به عنوان کالای اصلی واردات
 اسرائیل از مصر جایگزین شد. با حجم سالانه ۱۵۰-۲۵۰ میلیون دلار، واردات از مصر حدود ۵
 درصد از کل واردات کالاها در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ اسرائیل را تشکیل می‌داد.

جدول ۳. واردات کالاهای اسرائیلی از مصر ۲۰۰۱-۲۰۱۶



(Gal and Rock, ۲۰۱۹: ۸)

واردات گاز از مصر در اوایل سال ۲۰۱۰ متوقف شد. ارزش کل واردات اسرائیل از مصر به حدود ۵۰ میلیون دلار کاهش یافت. در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶، واردات مواد شیمیایی، پلاستیک و مواد غذایی معدنی کاهش یافت و در سال ۲۰۱۶ به ۱۵ میلیون دلار کاهش یافت (Gal and Rock, ۲۰۱۹: ۸).

صلح به اقتصاد اردن که به دلیل کمبود منابع طبیعی از ضعفهای اساسی رنج می‌برد، کمک خواهد کرد. اردن مجبور است برای بقا، در همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای مشارکت داشته باشد و از طریق بسیج منابع از قبیل گردشگری و ترانزیت (با توجه به موقعیت مرکزی استراتژیک خود در منطقه)، سود بسیار زیادی خواهد برد. همچنین، اردن به شدت ناگزیر است که درصد درآمد ملی صرف شده برای بدهی و اتکای سنگین آن به کمکهای خارجی را کاهش دهد. هرچند که بانک جهانی پیش‌بینی کرد، بعید است که اردن بتواند بدهی موجود خود را به میزان ۷ میلیارد دلار در کوتاه‌مدت و متوسط حذف کند.

صلح برای اردنی‌ها به معنای دسترسی به کرانه باختری، غزه و بازارهای اسرائیل و همکاریهای بیشتر اقتصادی منطقه‌ای است. با توجه به ساختار جمعیتی اردن، امنیت استراتژیک اردن نیز به طرز چشمگیری بهبود می‌یابد. ترکیب جمعیت اردن شامل تعداد بیشماری از پناهنجویان فلسطینی با روابط فرهنگی و قومی در کرانه باختری و نوار غزه است. بنابراین، تنش و بی‌ثباتی در فلسطین به شدت در اردن منعکس می‌شود، همان طور که توسعه اقتصادی

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه \diamond سیاسی در فلسطین می‌تواند آن را تقویت کند. شکوفایی در فلسطین می‌تواند یک جاذبه مهم برای سرمایه‌گذاری‌های تجاری اردن در کرانه باختری و غزه و ورود احتمالی نیروی کار فلسطین به اردن در صورت ادامه رکود اقتصادی فلسطین فراهم نماید. این بدان معناست که صلح برای فلسطینی‌ها، یا برای آن مسئله ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، شاید بیش از هر کشور عربی دیگر تأثیر مستقیم بر اردن دارد (Abdullah, ۱۹۹۵: ۱۱).

۴. پیامدهای رشد اقتصادی ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه

روابط دوستانه بین ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ نه تنها واقعیت‌های ژئوپولیتیک جدید منطقه در دوره پس از جنگ سرد را منعکس کرد، بلکه این امر به بهبود ثبات سیاسی در منطقه منتهی گردید. مناسبات مرتبط با امنیت انرژی بطور مستقیم بر محاسبات سیاسی بین ترکیه و اسرائیل تأثیر گذاشت و نقش برجسته‌ای را در اصول استراتژیک روابط میان ترکیه و اسرائیل ایفا نمود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط ترکیه و اسرائیل، منطق اقتصادی بود، بگونه‌ای که ترکیه و اسرائیل درک مناسبی از شرایط منطقه داشتند و همین عامل سبب شد تا در پی اهداف اقتصادی مشترک، بیشترین تأثیر را بر منطقه خاورمیانه گذارند (رنجبر، ۱۳۸۲: ۲۴۶). به نظر می‌رسد جهت‌گیری سیاست خارجی آینده ترکیه، حرکت به سوی تبدیل شدن به بازیگری چندمنطقه‌ای و پلی برای انتقال انرژی به اروپا می‌باشد. یعنی افزایش وزن ترکیه در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای و کاهش آسیب‌پذیری استراتژیک ترکیه، سیاست اصلی آنها خواهد بود (احمدی، حاتم‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۲).

۴-۱. رشد اقتصادی اسرائیل در منطقه خاورمیانه

در استراتژی امنیت ملی اسرائیل، قدرت اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است. «شیمون پرز» در سال ۱۹۸۹، ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش نیست که قدرت کشور را تعیین می‌کند، بلکه موقعیت‌های علمی و تکنولوژیکی آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ با تأکید بر اینکه در دنیای امروز، اقتصاد مهم‌تر از استراتژی است. افزایش قدرت اقتصادی اسرائیل به طور همزمان با هدف تضعیف اقتصادی کشورهای دیگر منطقه و به‌ویژه ایران، تعقیب می‌شود. با توجه به اینکه هرگونه تلاش برای موازنه قوای نظامی، نیازمند پشتوانه قدرتمندی از توانایی اقتصادی است. همچنین، ضعف‌های اقتصادی، خود یک عامل اساسی تهدید می‌باشد. بنابراین، اسرائیل تضعیف فزاینده اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را به منزله یک سیاست جدی تعقیب می‌کند (رنجبر، ۱۳۸۲: ۲۴۶).

علاوه بر این، اسرائیل از هر یک از کشورهای عربی صنعتی‌تر است و در انواع فعالیت‌های

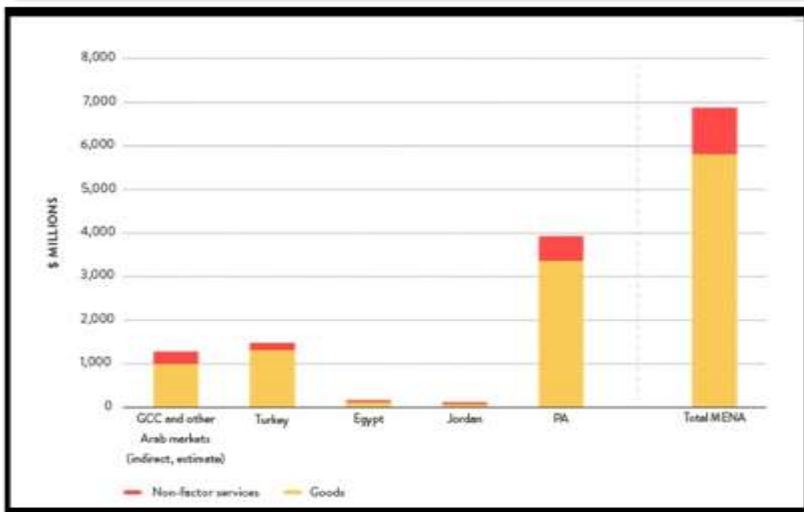
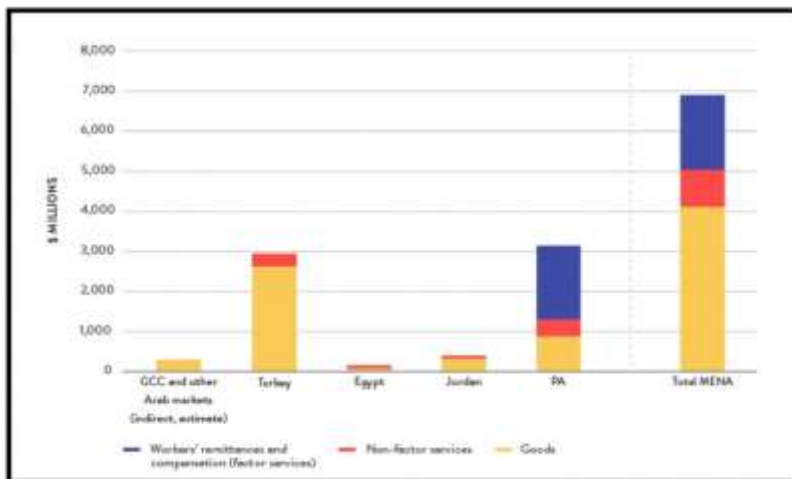
◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ —

اقتصادی و اجتماعی از جمله تجارت، آموزش و سیاست از سازمانهای مؤثر و کارآمدتری برخوردار است. شاید مهمتر از آن، اسرائیل، نماینده ساکنان یهودی است؛ از هر رژیم عربی دموکراتیک‌تر است. با این حال، سابقه حقوق بشر برای فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی ضعیف است. منبع دیگر قدرت اسرائیل، کنترل آن بر منابع آبی است. در حال حاضر، سه شاخه اصلی رودخانه اردن و رودخانه لیتانی در جنوب لبنان، تحت کنترل اسرائیل است. در جریان مذاکرات دوجانبه و چندجانبه خاورمیانه، اسرائیل می‌تواند از این کنترل برای دریافت امتیازات از اردن، لبنان و فلسطینی‌ها استفاده کند (Ahmed Moustafa, ۱۹۹۵: ۱۴).

اسرائیل علاوه بر میوه و سبزیجات، تولید کالاهایی مانند سیمان، تجهیزات کشاورزی، حشره‌کش‌ها، کودها، دارو، تجهیزات برقی، الکترونیک و برخی کالاهای مصرفی برای صادرات به کشورهای عربی را در اختیار دارد. اسرائیل همچنین امیدوار است که در تولید خدمات به قطب منطقه‌ای تبدیل شود. موقعیت جغرافیایی اسرائیل، موقعیت ویژه‌ای در تجارت فرامرزی ایجاد کرده است. حمل‌ونقل بین اسرائیل و کشورهای عربی در شرق، فقط از طریق اسرائیل قابل انجام است. از این رو، کنترل جاده‌های ارتباطی برای تجارت بین‌المللی یا فرامرزی، اسرائیل را به مرکز تجارت حمل‌ونقل تبدیل کرده است. اسرائیل همچنین قصد دارد از طریق شبکه ارتباطات جدیدی به جهان عرب متصل گردد. تسلط بر بنادر مدیترانه، به ویژه حیفا، اسرائیل را قادر می‌سازد از تجارت فرامرزی با اردن، عراق و خلیج فارس بهره‌مند گردد، با این امید که بتواند به عنوان مسیری خروجی برای نفت بخصوص نفت عراق و عربستان سعودی تبدیل شود.

در صورت موفقیت اسرائیل، ضربه‌ای به تأسیسات حمل‌ونقل دریایی کشورهای حوزه خلیج فارس وارد می‌شود، زیرا کویت دارای ناوگان تانکرها است. اسرائیل به واسطه ظرفیت و برتری تکنولوژیکی خود به دنبال تسلط بر جهان عرب است. اسرائیل در برنامه‌های آینده خود تمایل به بهره‌برداری از منابع منطقه‌ای دارد. توجه اساسی اسرائیل، برتری کیفی آن در مقایسه به توانایی ملل عرب است. از این رو، امیدوار است که به عنوان مرکز فکری، تولیدی و فرهنگی تبدیل شود. چشم‌انداز اسرائیل از روابط آینده خود در طرح صهیونیستی پایه‌گذاری شده است. چنین روابطی به جای یک اتحاد عادی، مبتنی بر مشارکت هژمونی و سلطه اسرائیل است. اسرائیل با یک سلسله جنگ‌های پیروزمند توانسته است برتری خود را نشان دهد. با این حال، اسرائیل اکنون به دنبال تحقق هژمونی خود از طریق یک استراتژی واضح و روشن از پیش تعیین شده است (Ahmed Moustafa, ۱۹۹۵: ۴۰-۴۱).

جدول ۴. واردات اسرائیل از کشورهای منطقه منا
<https://institute.global>



جدول ۵. صادرات اسرائیل به کشورهای منطقه منا
<https://institute.global>

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹

۴-۲. تهدیدات اقتصادی اسرائیل بر ایران، فلسطین و لبنان

یکی از اهداف عمده اسرائیل در سالهای اخیر، اهداف سلطه‌جویانه اقتصادی در منطقه است. که نگرانی کشورهای منطقه را موجب شده است و مقامات ایرانی نیز در این زمینه ابراز نگرانی کرده‌اند (رنجبر، ۱۳۸۲: ۲۴۷). اسرائیل از نزدیکی بیشتر با ترکیه، علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای ترکیه در ابعاد سیاسی و اقتصادی، تلاش می‌نماید از نفوذ ایران در کشورهای پیرامونی از طریق گسترش همکاری با آنکارا جلوگیری کند (سهرابی و جنتی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). اقتصاد رو به پیشرفت اسرائیل به سیاستمداران این کشور توانایی بیشتری در تهدید کشورهای دیگر در منطقه می‌دهد. تهدید اسرائیل همچنین موجب بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه از جمله ایران می‌شود. سرمایه‌گذاران خارجی و حتی داخلی علاوه بر تضمین سود سرمایه‌گذاری خود و مقدم بر آن، نگران اصل سرمایه خویش می‌باشند. بدیهی است که تهدیدهای نظامی اسرائیل علیه ایران می‌تواند با خدشه وارد ساختن به امنیت سرمایه‌گذاری، تداوم آن را که از ضروری‌ترین عوامل و مقدمات توسعه کشور می‌باشد، با خطر روبرو کند (شمس، ۱۳۷۷).

از سویی دیگر، کشف گاز در مدیترانه شرقی باعث ارتقای جایگاه اسرائیل در منظومه امنیت منطقه خاورمیانه شد و اسرائیل سعی دارد تا از گاز به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف منطقه‌ای خود استفاده نماید. به طور کلی، کشف گاز، سومین منبع تنش را در کنار دو منبع دیگر یعنی زمین و آب، به منابع تنش منطقه‌ای اضافه نموده است. کشف گاز در سرزمین‌های اشغالی باعث شده تا اسرائیل به منظور حفظ وابستگی فلسطینی‌ها نه تنها مانع از دستیابی به منابع گازی آنها شود، بلکه با عقد قرارداد فروش گاز، وابستگی فلسطینی‌ها را به خود شدت بخشد. از طرف دیگر، این امر تشدید تنش بین اسرائیل و لبنان را در پی داشته است و همزمان باعث تشکیل ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای شده است (ابراهیمی؛ رشیدی، ۱۳۹۴: ۷۲).

۴. پیامدهای روابط فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بین سال‌های ۱۹۹۰ تا

۲۰۱۷ بر منطقه خاورمیانه

خاورمیانه به عنوان یک سیستم، دارای ویژگی‌هایی است که نظم حاکم بر آن را تحت تأثیر قرارداده است و مجموعه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک، خاورمیانه را به منطقه‌ای با حساسیت و آسیب‌پذیری بالا در چرخه جهانی قدرت تبدیل نموده است و رقابت‌های میان قدرت‌های بزرگ نیز بر نظم منطقه‌ای آن اثر می‌گذارد و در چنین شرایطی، سیستم موازنه قدرت منطقه‌ای متأثر از این الگوی نظام تغییر می‌کند (رحیم‌پوراصل، ۱۳۹۸: ۷۲). از نظر رجب طیب اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورها مانند: ایران، اسرائیل، ایالات متحده تعامل داشته

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه ♦

باشد و این به منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می‌شود که کمتر کشوری چنین پتانسیلی را داراست (اسماعیلی؛ زارعزاده و فلاح، ۱۳۹۵: ۱۸۰). «حفظ وضع موجود» مهم‌ترین استراتژی ترکیه در سیاست خارجی است. ترکیه در سالهای اخیر فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه نزدیک کردن دیدگاه‌های اسرائیل و اعراب داشته است. از این منظر، ترکیه معمولاً سیاست‌هایی را در پیش گرفته است که با استفاده از لابی‌های مختلف و تاکتیک‌های گوناگون از فعالیت‌های فرهنگی تا فرصت‌های تجاری، گام‌هایی را در جهت صلح بردارد (سنایی و حیدری، ۱۳۸۷: ۵۲). از جمله دلایل عمده رویکرد اسرائیل به ترکیه، استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. بن‌گورین اعتقاد داشت تحکیم روابط اسرائیل با کشورهای غیر عرب پیرامون خود می‌تواند به تحمیل صلح مطلوب این کشور منجر شود. او در این باره گفته بود: «ما نمی‌توانیم همسایگان مان را مجبور کنیم به امضای قرارداد صلح با ما تن دهند، اما هیچ چیز بهتر از به دست آوردن دوست در کشورهای آسیا و آفریقا، نمی‌تواند کینه اعراب نسبت به ما را کاهش دهد» (آقاعلیخانی، ۱۳۹۰: ۳۱). از نظر اسرائیل، تحکیم روابط با این گونه کشورها نه تنها منافع گوناگون اسرائیل را تأمین می‌کرد، بلکه نشان‌دهنده خروج آن از انزوا در منطقه بود. از این رو، نزدیکی اسرائیل با ترکیه راهی جهت عادی‌سازی روابط با مسلمانان بود و اسرائیل می‌توانست علاوه بر داشتن یک دوست قابل اعتماد در منطقه خاورمیانه، نشان دهد که اعراب هم می‌توانند دیدگاه خود را برای همزیستی با این کشور تغییر دهند (آقاعلیخانی، ۱۳۹۰: ۳۱). بر اساس گزارش زیفز در سال ۲۰۱۲، روابط فرهنگی میان ترکیه و اسرائیل، پیامدهای اساسی نه تنها برای دو کشور، بلکه به طور کلی برای منطقه خاورمیانه در برداشته است. بدیهی است که دیپلماسی فرهنگی و موسیقی، هر دو در حالت رسمی و به صورت ابتکاری و غیررسمی، می‌تواند همکاری نظامی، گردشگری و تجارت را در بین کشورهای دموکراتیک خاورمیانه افزایش دهد. در دنیای مدرن که بسیاری از کشورها درگیر جنگ‌های بی پایان هستند، دیپلماسی فرهنگی و موسیقی می‌تواند یک تصویر مثبت به جامعه جهانی ارائه دهد (Demir, ۲۰۱۷: ۱۲۳۶-۱۲۳۰).

۱-۵. روابط فرهنگی ترکیه و اسرائیل و پذیرش هولوکاست از سوی ترکیه

ژئوکالچر منطقه خاورمیانه با حضور اسرائیل دستخوش تغییرات اساسی شد. اسرائیل همواره تلاش نمود تا از طریق رابطه با ترکیه شوک ناشی از تغییرات فرهنگی را در منطقه خاورمیانه کاهش دهد. نمایش زندگی یهودیان در طی جنگ جهانی اول و تلاش آلمان برای پاکسازی قومی یهودیان این امکان را به اسرائیل داد تا با هویت‌سازی جدید، زمینه‌های فکری لازم را برای ساکن شدن در اراضی اشغالی فلسطین فراهم نماید. ترکیه با به رسمیت شناختن اسرائیل، به هویت یهودیان ساکن در اراضی اشغالی موجودیت جدیدی بخشید و زمینه‌های عادی‌سازی

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
فرهنگی و برقراری صلح میان اعراب و اسرائیل را فراهم نمود. اصلاحات آتاتورک که مصادف با اخراج یهودیان از دانشگاه‌های آلمان بود، به دانشگاه‌های ترکیه فرصت‌های غیرمنتظره‌ای برای استخدام تعداد قابل توجهی از دانشمندان تراز اول جهت ایجاد سیستم دانشگاهی داد (میرحسینی؛ قیمی‌بشنو و رحیم پوراصل، ۱۳۹۷: ۲). روابط نزدیک و مسالمت‌آمیز ترک و یهودیان به میراثی مبدل گردید که اتحاد و دوستی آنها را تا به امروز تداوم بخشیده است (سهرابی و جنتی، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

با افزایش روابط سیاسی، مبادلات فرهنگی ترکی و اسرائیلی نیز افزایش یافت. قراردادهای اجتماعی که شامل بیش از سی توافقنامه بود، امکان برقراری ارتباط بین دانشگاه‌های ترکیه، مؤسسات تحقیقاتی و دانشکده‌های پزشکی را فراهم نمود. دانشگاه آنکارا، دانشگاه فنی خاورمیانه، بیلکت، بوغازیچی، گالاتاسارای، بیلژ، قونیه، آنتالیا و کیرییکاله از هر هفت دانشگاه اسرائیلی و مراکز تحقیقاتی علمی توسط دانشمندان و دانشکده‌ها بازدید نمودند. صدها کارآموز از هر دو کشور در سمینارهای علمی و دوره‌های آموزشی شرکت کردند. وبولونیستها، پیانیستها و سایر نوازندگان، خوانندگان اپرا، ارکسترها و... در جشنواره‌های یکدیگر برنامه اجرا کردند. هفته‌های فیلمهای ترکی و اسرائیلی، نمایشگاه‌های معماری، نقاشی، فرش و عکس موفقیت و تحسین زیادی کسب کردند (Nachmani, ۲۰۱۸: ۲۲۸).

یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین گفتمان‌ها و روایت‌های مورد تاکید یهودیان که از نظر هویت‌سازی «خود» و همچنین، چگونگی رابطه آن با «دیگران» اهمیت اساسی دارد، مساله کشتار و سرکوب یهودیان در دوران حکومت نازی‌ها در آلمان است. در این میان، پررنگ کردن نقش ترکیه در ایفای مجدد نقش مأمّن، حامی و ناجی برای یهودیان در دوران نازی‌ها و کشتارهای جمعی هولوکاست اهمیت زیادی دارد. در واقع، اقدام ترکیه به پذیرش یهودیان تحت آزاروآذیت رژیم نازی در اروپا از ابتدای دهه ۱۹۳۰ آغاز شده بود. زمانی که این کشور روند مدرن‌سازی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی-تحقیقاتی خود را در پیش گرفته بود، مصطفی کمال و وزیر آموزش او تصمیم گرفتند که صدها دانشمند و استاد دانشگاه که بیشتر آنها یهودی و از ترس رژیم نازی در آلمان و اتریش در جستجوی پناه‌گاهی بودند را در خاک خود بپذیرند. این پناهندگان که تعدادی از محققان برجسته نیز در بین آنها به چشم می‌خورد، موجب تحولات گسترده و عمیقی در سیستم دانشگاهی ترکیه، مؤسسات علمی-تحقیقاتی و نیز هنرهای زیبا و موسیقی این کشور شدند. برای بیشتر این نخبگان، ترکیه به معنای پناهگاهی قابل اطمینان برای فرار از مرگ حتمی و نیز فرصتی دوباره جهت ادامه کار و فعالیت آنها بود. در واقع، اسرائیل، جهت نزدیکی به ترکیه به عنوان یک کشور مهم در معادلات منطقه‌ای، بر «تفاوت» آن با سایر دولت‌های منطقه تاکید می‌کند و یک بُعد این تفاوت را با پررنگ کردن «هویت

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه ◊
مشترک تاریخی» بین ترکان مسلمان و یهودیان مطرح می‌سازد (خادمی، ۱۳۹۲).

۲-۵. روابط گردشگری ترکیه و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش برادری و صلح جهانی

گردشگری اسرائیل در ترکیه و تجارت اسرائیل و ترکیه نشان‌دهنده جایگاه قوی روابط دوجانبه است. جو آرام و اطمینان در روابط بلندمدت توانست تجارت را در مقیاس مشخص‌شده تسهیل کند. گردشگری و سرمایه‌گذاری در جهانگردی، بارزترین ویژگی‌های روابط گسترده غیرنظامی وسیع بین اسرائیل و ترکیه است. در سال ۱۹۸۶، ۷۰۰۰ گردشگر اسرائیلی و در سال ۱۹۹۲، ۱۶۰،۰۰۰ گردشگر اسرائیلی از ترکیه بازدید کردند (Nachmani, ۲۰۱۸: ۲۲۸).

صنعت گردشگری را می‌توان مهمترین نماد موفقیت اقتصادی ترکیه در یک دهه اخیر دانست. بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹، تعداد گردشگرانی که از ترکیه دیدار کرده‌اند، بیش از دو برابر شد و درآمد ترکیه نیز از این ناحیه دو برابر شده است (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۹۲: ۱۵). عادی‌سازی روابط بین ترکیه و اسرائیل با روابط اقتصادی و تجاری شروع شد و با گذشت زمان توسعه چشمگیری یافت. این روند به ویژه در بخش گردشگری بسیار مشهود است. به گونه‌ای که هزاران گردشگر اسرائیلی شروع به کشف ترکیه کردند. هواپیماهای اسرائیل علاوه بر آنکارا، پرواز به سایر مناطق ترکیه را گسترش دادند. تمام تجارت در سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ شامل بخش گردشگری بود که درآمد ترکیه از ۲۰ میلیون دلار به ۱۰۰ میلیون دلار افزایش یافت (Güvendiren, ۲۰۱۸: ۱۷۷-۱۷۸).

به عقیده بینعلی بیلدیریم، نخست وزیر ترکیه، گردشگری با افزایش روابط میان مناطق جغرافیایی مختلف دنیا، کمک زیادی به برادری و صلح جهانی می‌کند. وی در ادامه بیان کرد: «هنگامی که روی کار آمدیم (سال ۲۰۰۲)، سالیانه حدود ۱۳ میلیون توریست به ترکیه می‌آمدند و در سال ۲۰۱۷ این میزان به ۴۰ میلیون نفر افزایش یافت. درآمد ترکیه در بخش گردشگری از ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. تعداد فرودگاه‌های کشور را از ۲۶ فرودگاه در سال ۲۰۰۲ به ۵۵ فرودگاه افزایش دادیم.

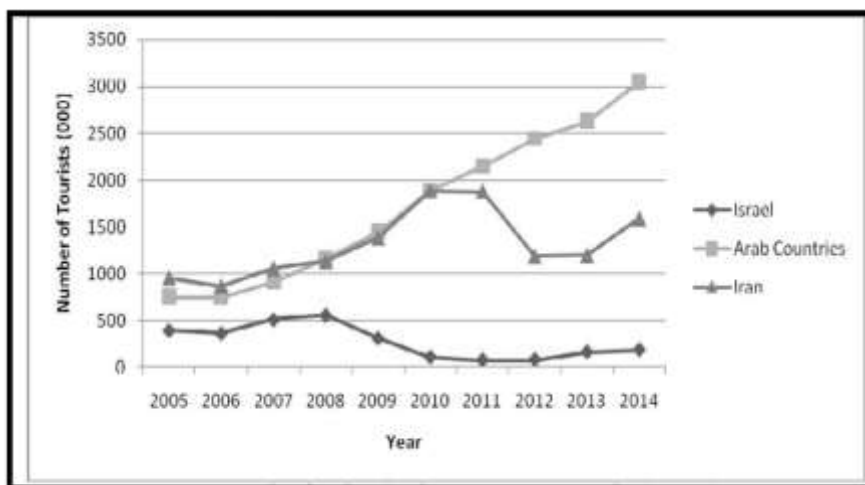
گردشگری حوزه مهمی برای پایداری صلح و برادری است. کسانی که در این زمینه تلاش می‌کنند، سفیر صلح محسوب می‌شوند. نباید از تروریسم برای ضربه زدن به صنعت گردشگری و یا به دست آوردن مزیت در این صنعت استفاده کرد. از دیدار و برقراری برادری میان مردم با یکدیگر و ایجاد صلح منطقه‌ای و جهانی حمایت کنیم، نه اینکه مانع آن شویم. دولت گردشگری را فقط به عنوان بخشی مؤثر در راستای توسعه اقتصادی نمی‌بیند. ارزیابی یک بُعدی از گردشگری ناقص است، کافی نیست.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
گردشگری پیش از همه گردهم‌آیی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است. اگر به گردهمایی فرهنگها برسیم، غلیان فرهنگی و از بین بردن پیش‌فرضها را تأمین خواهیم کرد. ما گردشگری را به عنوان تأثیرپذیری فرهنگی و ارزشی برای تقویت تلفیق ملت‌ها با یکدیگر می‌بینیم. گردشگری نقش مهمی در تقویت روابط بین‌المللی و حفظ روابط قوی میان جوامع مختلف دارد. باید به جای اینکه انرژی، منابع و امکانات خود را صرف جنگ، تانک، توپ و تفنگ کنیم، صرف رفاه و خوشبختی جامعه و آینده‌ای روشن برای کودکان نماییم. تاریخ، آینده و گذشتگان حساب این کار را از ما خواهند پرسید» (<https://www.trt.net.tr>).

۳-۵. کاهش روابط ترکیه و اسرائیل و افزایش نفوذ فرهنگی ترکیه در منطقه خاورمیانه

ترکیه میراث‌دار فرهنگ و تمدن امپراطوری عثمانی، جایگاه برجسته‌ای در فرهنگ، تاریخ و تمدن منطقه خاورمیانه دارد. بحران‌های سیاسی بین ترکیه و اسرائیل بر روابط فرهنگی میان دو کشور تأثیر گذاشت و سبب وقوع برخی تنش‌های دیپلماتیک شد. ترکیه با تحریم گردشگران اسرائیلی تلاش نمود تا از نظر سیاسی بر اسرائیل فشار بیشتری وارد آورد. بعد از وقوع حادثه کشتی مرمره آبی و بحرانی شدن روابط بین ترکیه و اسرائیل، نخست‌وزیر رجب طیب اردوغان در مصاحبه با روزنامه ماریو^۱ در پاسخ به این سوال آیا تحریم گردشگران اسرائیل بر اقتصاد ترکیه تأثیر منفی خواهد داشت؟ بیان نمود: «ما به گردشگران اسرائیلی در ترکیه نیازی نداریم.» بعد از این مصاحبه، وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه تلاش نمود با هدف قرار دادن کشورهای عربی و با پخش مجموعه سریال‌های ترکی در شبکه‌های عربی، مخاطبان عرب را با فرهنگ و زبان ترکیه آشنا کند و از سویی دیگر، بخش خصوصی ترکیه در کشورهای عربی شروع به فعالیت در شرکت‌های مسافرتی نمودند. روابط فرهنگی و گردشگری ترکیه با کشورهای عربی سبب افزایش گردشگران عرب و ایرانی در ترکیه شد. گسترش سریع فرهنگ و زبان ترکی در رسانه‌های منطقه خاورمیانه سبب بروز نگرانی از سوی سیاستمداران عرب گردید، به گونه‌ای که اعراب فعالیت‌های فرهنگی ترکیه را در راستای احیای «عثمان‌گرایی» تلقی نمودند (Polat: ۲۰۱۶, ۸۹۵-۸۹۹).

^۱. Maariv newspapers



(Polat: ۲۰۱۶, ۹۸۹)

۶. عادی‌سازی روابط ترکیه و اسرائیل و تأثیر آن بر افزایش نفوذ فرهنگی ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه

حزب عدالت و توسعه چون نگرش ایدئولوژیک و آرمانی در مسائل سیاسی ندارد، به راحتی توانسته پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کند. از یک طرف، با اسرائیل روابط سیاسی دارد و از سوی دیگر، نزد فلسطینی‌ها به مثابه قهرمان تلقی می‌شود (احمدی، حاتم آبادی فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۰).

۶-۱. دیپلماسی فرهنگی، زمینه‌ساز فهم متقابل یهودیان و مسلمانان در منطقه خاورمیانه

دیپلماسی فرهنگی، مفهومی است که به طور گسترده در روابط و سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم، به روند تبادل اطلاعات، ایده‌ها، هنر و دیگر عناصر فرهنگ در بین گروه‌ها و ملت‌ها اشاره می‌کند تا محیطی از درک متقابل را ایجاد نماید. موسیقی می‌تواند درک بین فرهنگ‌ها را بهبود بخشد و به عنوان رسانه‌ای از ارتباطات بین‌فرهنگی استفاده شود و دیپلماسی موسیقی می‌تواند به طور جدی به ایجاد صلح و مدیریت در اختلافات میان ملت‌ها

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
کمک کند (Demir, ۲۰۱۷: ۱۲۲۷).

فرانک نینکوویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزشهای مشترک می‌داند و این در حالی است که بنا با تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانالهایی برای تصویر واقعی و ارزشهای یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملتها و فهم ارزشهای آنها و سرانجام، در تعریف میتون کامینگر، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنتها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم میان ملتها و کشورها. دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان است؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آن‌گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس، به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد و آن را در سیاست خارجی خود لحاظ نماید (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

اولویت دیپلماسی فرهنگی اسرائیل، کشورهای دشمن اسرائیل و به طور مشخص، اعراب می‌باشند. حجم زیادی از مطالب منتشره توسط مرکز اطلاعات اسرائیل به عنوان بازوی تبلیغاتی وزارت امور خارجه اسرائیل، به زبان عربی ترجمه و منتشر شده و در برخی موارد نیز نشریات خاص منحصرأ برای مخاطبین عرب‌زبان تهیه و منتشر می‌شوند. رادیو و تلویزیون اسرائیل نیز هر یک شبکه‌ای به زبان عربی دارند که مخاطب اصلی آن ساکنین عرب‌تبار اسرائیل می‌باشند. بر اساس برخی آمارهای دولتی، بیش از هشتاد درصد از ساکنین سرزمین‌های اشغالی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون اسرائیل به زبان عربی استفاده می‌کنند (آهویی و متین‌جاوید، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

اگرچه در طول سالهای بحران در روابط دو کشور، سیاست نقش مهمی در بازسازی روابط بین دو کشور داشت، اما دیپلماسی فرهنگی و موسیقی نیز به همان اندازه دارای اهمیت بود. در اوج روابط پرتنش سیاسی بین دو کشور بین سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶، چندین کنسرت و جشنواره فرهنگی بین دو کشور برگزار گردید. موسیقی به تقویت درک متقابل بین فرهنگ‌ها کمک کرد. در مارس ۲۰۱۶، دو رویداد فرهنگی به طور همزمان در تل‌آویو و استانبول برگزار گردید. جشنواره‌های صدا، که با هدف ایجاد پل‌های فرهنگی بین دو پایتخت بزرگ خاورمیانه برگزار شدند. این رویداد فرصتی برای شهروندان دو کشور ترکیه و اسرائیل جهت شناخت فرهنگ‌های یکدیگر را بوجود آورد.

رویدادهای فرهنگی و جشنواره‌های موسیقی در سطح گسترده نه تنها تبادل اطلاعات و

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه ♦

ایده‌ها را بین دو کشور تسهیل کرد، بلکه زمینه فهم متقابل بین یهودیان و مسلمانان را نیز فراهم نمود. به طور کلی، موسیقی و دیگر رویدادهای فرهنگی نقشی مهم در ایجاد روابط قوی بین ترکیه و اسرائیل ایفا کرده‌اند. اسرائیل و ترکیه قدرت دیپلماسی فرهنگی و موسیقی را برای تقویت روابط دیپلماتیک در لحظات دشوار به کار گرفته‌اند (۱۲۳۷-۱۲۳۵: ۲۰۱۷: Demir). این مسائل نشان می‌دهد که ترکیه در آینده در جهت افزایش وزن خود در معادلات بین‌المللی پیش خواهد رفت و روابط خود را به یک یا چند بازیگر محدود نخواهد کرد، بلکه ترکیه می‌خواهند با تمام بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای روابطشان را حفظ کنند. در عین حال، به هیچ کدام از آنها هم وابسته نباشند (احمدی، حاتم‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۶).

۲-۶. پیامد دیپلماسی فرهنگی ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه

کشورهای مختلف جهان با درجاتی متفاوت به اهمیت دیپلماسی فرهنگی پی برده و هر کدام در حد ظرفیت و توان خود برای پیاده کردن آن تمهیداتی اندیشیده‌اند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به طور عام و در حوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر به طور خاص، در گرو استفاده درست از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از یک کشور یا یک حکومت دارند، تنها در سایه دیپلماسی فرهنگی قابل تغییر و اصلاح است. در کنار بکارگیری مجاری و راههای دیپلماسی رسمی، باید به برگزاری دیپلماسی فرهنگی توجه کرد و با برنامه‌ریزی حساب‌شده در حوزه‌های آموزشی، هنری و فرهنگی، به ترویج ارزشهای مطلوب کشور و ملاً تأمین منافع کشور اقدام کرد. تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلافها و اتحادیهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، بکارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی، بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد (خانی، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

۳-۶. عادی‌سازی چهره اسرائیل و گسترش صلح در منطقه خاورمیانه

از سال ۱۹۴۵ و به ویژه در دوره جنگ سرد، برنامه‌هایی برای نظم خاورمیانه غالباً توسط قدرتهای منطقه‌ای که دارای موقعیت استراتژیک و در خدمت منافع قدرتهای جهانی به ویژه ایالات متحده بودند، تبیین می‌شد. ترکیه و اسرائیل به شدت از برنامه‌های صلح حمایت کردند. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی نیز پذیرای این برنامه‌ها هستند. مشارکت بسیاری از کشورهای عربی- به ویژه نمایندگان شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه مغرب عرب- در

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
مذاکرات چندجانبه روند صلح اعراب و اسرائیل، نمونه‌ای مهم از روند فعلی به منظور ایجاد نظم جدید در خاورمیانه است. تغییر خاورمیانه و ایجاد نظم جدید توسط کشورهای عربی به نتیجه موفقیت‌آمیز روند صلح بستگی دارد (۲۰: ۱۹۹۵، Ahmed Moustafa).

ترکیه با شعار صلح در خانه، صلح در جهان، پویایی جدید و بی‌سابقه‌ای را در امور منطقه‌ای آغاز نمود. ترکیه در حوزه روابط خارجی، با اعتمادبه‌نفس و اراده‌ای سیاسی اقدام به پیگیری مشکلات در کشورهای همسایه و نیز تلاش در زمینه برقراری صلح در منطقه نمود. بدین منظور، ترکیه میزبان رهبران خاورمیانه، اوراسیا، آفریقا و همچنین، سیاستمداران و مقامات عالی‌رتبه از کشورهای غربی گردید و بسترهای لازم برای حل مناقشات در مناطق جغرافیایی مختلف را تسهیل نمود. سیاستمداران ترکیه سعی کردند از طریق اقدامات اعتمادسازی به اختلافات بین کشورهای درگیر منازعه غلبه و با عمل به عنوان نقش میانجی‌گری و تسهیل‌کننده راه‌حل برای مشکلات مزمن منطقه‌ای اقدام نمایند. چشم‌انداز و سبک سیاست‌گذاران ترکیه نمونه‌ای برای مشاهده ظهور نقش صلح‌ساز در حاشیه سیستم بین‌المللی است. ترکیه تلاش پویایی را برای ایجاد صلح منطقه‌ای آغاز نمود و بازیگران منطقه‌ای را برای ایجاد آگاهی جدید از صلح در یک جغرافیای گسترده از خاورمیانه به استپهای اوراسیا بسیج نمود (۲۹-۳۵- ۲۰۰۹، Aras).

انتخابات سال ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه نمایانگر نوع مطالبات جامعه ترکیه است. ترکیه به دنبال کشف هویت تاریخی خود است. گام‌های میانجی‌گرایانه ترک‌ها در مسیر احیای گفتگوی صلح اسرائیل و فلسطین، میانجی‌گری بین سوریه و اسرائیل در ۲۰۰۷ که در می ۲۰۰۸ این ارتباطات معنی یافت. همه این واقعیات نشان از دو نکته مهم دارند: روند آرمانی احیای هویت تاریخی با پدیده نوع‌ثمنی را با پایان سیاست خارجی سنتی ترکیه تجدید می‌کنند و از سیاست کمالیسم آتاتورکیسم مینی بر عدم مداخله ترکیه در مسائل خاورمیانه فاصله پیدا کرده است (احمدی، حاتم‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۷).

ترکیه در مقام طرفدار و مبتکر همکاری منطقه‌ای می‌کوشد از وابستگی متقابل به عنوان نوعی سازوکار اعتمادسازی بهره‌گیر که به ایجاد منافع مشترک مربوط به روابط مسالمت‌آمیز کمک می‌کند. ترکیه و اسرائیل بازیگران مهمی برای موفقیت همکاری منطقه‌ای خاورمیانه هستند. هر دو کشور ترکیه و اسرائیل، نگرانیهای مشترکی دارند. هر دو کشور خواهان صلح در خاورمیانه هستند تا بتوانند با تروریسم مبارزه کنند. اگرچه ترکیه از سال ۲۰۰۲ توسط اسلام‌گراها هدایت می‌شود، اما همچنان روابط سیاسی و اقتصادی اسرائیل و ترکیه حفظ شده است و اردوغان، نخست‌وزیر اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه، پس از به قدرت رسیدن، روابط ترکیه با اسرائیل را همچنان توسعه داده است.

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه ♦

دولت ترکیه همزمان رابطه خود را با اسرائیل و فلسطین حفظ کرده است. همچنین، نیروهای ترکیه به نیروهای سازمان ملل در لبنان کمک کردند. بعد از اینکه حزب الله و اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶ وارد جنگ شدند، نیروهای ترکیه همراه با نیروهای بین‌المللی به حفظ صلح کمک کردند. ترکیه همکاری‌های مهمی در حفظ صلح و ثبات در لبنان، همسایه شمالی اسرائیل داشته است. مسئله دیگر، عادی‌سازی چهره اسرائیل در منطقه، در فرآیند دموکراتیزه‌سازی خاورمیانه است، که ترکیه نقش مهمی در آن بازی می‌کند. در حال حاضر، آنکارا با درک شرایط جدید و رعایت هنجارهای بین‌المللی، سیاست خارجی خود از جمله روابط با اسرائیل را بازتعریف می‌کند تا با رعایت قواعد بازی همچنان در بازی معادلات قدرت سهمی برای خویش بگیرد (سنایی، ۱۳۹۰، ۱۷۸-۱۷۷).

۴-۶. تقویت هویت مشترک در منطقه خاورمیانه

یکی از سازوکارهایی که در کنار تأکید بر روایت‌های تاریخی می‌تواند به شکل‌گیری هویت مشترک کمک کند، نهادسازی است. روایت‌های هویت‌ساز پیش از آنکه جنبه عمومی، مردمی و فراگیر داشته باشند، جنبه اقناعی خاصی دارند و مربوط به نخبگان است. نهادسازی می‌تواند زمینه‌ای برای بسط گستره‌ی پذیرش این روایت‌ها باشد. از نظر یهودیان و اسرائیلی‌ها نیز این نهادسازی از جنبه دیگری نیز اهمیت دارد و آن زمینه‌سازی برای حذف و یا فراموشی دوران‌های ناخوشایند روابط ترکان مسلمان و یهودیان است. تأسیس «بنیاد پانصدمین سال»^۱ که هدف این بنیاد فرهنگی- آموزشی، ترویج و گسترش دیدگاه‌های بشردوستانه ملت ترک در سراسر جهان و همچنین، ایجاد این باور است که جراحتهای ناشی از ماجرای مالیات بر اموال یهودیان رو به بهبود است.

مهاجرت یهودیان از ترکیه به دنبال اجباری شدن مالیات بر اموال آغاز شد. این مالیات بر گروه‌های غیرمسلمان که شامل یهودیان نیز می‌شد، تعلق می‌گرفت. بیشتر یهودیان برای پرداخت مالیات، ناچار به فروش مایملک خود شدند و در نتیجه، به فقر و فلاکت افتادند. مالیات بر اموال از نقاط تاریک تجربه‌ی تاریخی یهودیان ترکیه است که هنوز هم گاهی اوقات به تلخی از آن یاد می‌شود. با این حال، یهودیان ترکیه سعی در فراموش کردن آن دارند و یکی از دلایل برگزاری جشن پانصدمین سال، حضور رسمی یهودیان در سرزمین آناتولی را زدودن این

^۱. بنیاد پانصدمین سال در سال (۱۹۸۹) توسط ۱۱۳ شهروند ترک شامل مسلمان و یهودی تأسیس شد. شعبه اصلی آن در استانبول قرار دارد که به مدت سه سال (۱۹۹۰-۱۹۹۲) برنامه‌های فرهنگی و آموزشی را در ترکیه و همچنین، در ایالات متحده، کانادا، مکزیک ترتیب داد (خادمی، ۱۳۹۲).

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
خاطره تلخ ذکر کرده‌اند. بدین ترتیب که سال ۱۹۹۲ بیانگر پانصدمین سال استقبال محبت‌آمیز
از یهودیان اسپانیا در ترکیه است (خادمی، ۱۳۹۲).

ترکیه در تلاش است تا با نهادسازی فرهنگی به هویت یهودیان در منطقه خاورمیانه سابقه
تاریخی ببخشد و حضور آنها را در فرهنگ و تمدن منطقه خاورمیانه پررنگ‌تر نماید. این اقدامات
فرهنگی که از سوی ترکیه به نوعی فرهنگ‌سازی برای یهود خوانده شده است، سبب نگرانی
ایران و سایر کشورهای مسلمان در منطقه شده است. ادامه این روند از سوی ترکیه سبب پدید
آمدن مشروعیت تاریخی و پیشینه تمدنی اسرائیل در منطقه خاورمیانه خواهد شد و این اقدام از
نظر ایران، جنبش آزادی‌بخش فلسطین و حزب‌الله لبنان سبب شدت یافتن اقدامات اسرائیل علیه
نوار غزه خواهد گردید (Demir, ۲۰۱۷: ۱۲۳۷).

نتیجه‌گیری

روند دموکراتیزه‌سازی در خاورمیانه به اسرائیل این امکان را داد تا بتواند به روابط عادی
اقتصادی با کشورهای منطقه دست یابد. عادی‌سازی روابط اقتصادی با ترکیه و کشورهای
خلیج فارس، زمینه‌های رشد تولید ناخالص داخلی را برای اسرائیل فراهم کرد. رشد اقتصادی با
مرور زمان زمینه‌های تهدید برای دشمنان اسرائیل مانند ایران، فلسطین و لبنان را بوجود آورد.
رابطه با اسرائیل به دلیل نیاز ترکیه به تأمین تسلیحات نظامی سبب شد تا ترکیه انعطاف
بیشتری از نظر فرهنگی با ایدئولوژی یهود از خود نشان دهد. روابط فرهنگی بین ترکیه و
اسرائیل در حوزه گردشگری در شرایط بحرانی دارای پیامد مثبتی برای ترکیه بود و ترکیه در این
دوران تلاش نمود تا از طریق رسانه‌ها بر گسترش فرهنگ ترکی در منطقه مبادرت ورزد.

نزدیک شدن دیدگاه‌های اعراب و اسرائیل به یکدیگر و ادامه روند صلح در منطقه نتیجه
پیامد فرهنگی رابطه ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه بود. ترکیه همواره تلاش نمود تا از
طریق برنامه‌های رسمی (مذاکرات دیپلماتیک) و غیررسمی (دیپلماسی موسیقی و فرهنگ) در
جهت روند صلح بین کشورهای منطقه و اسرائیل گام بردارد و هدف خود را از انجام این
اقدامات، ارائه یک تصویر مثبت از منطقه در صحنه بین‌الملل معرفی نمود. با بحرانی شدن روابط
ترکیه و اسرائیل، روابط سیاسی با چالش روبرو گردید. اما ترکیه و اسرائیل هرگز برنامه‌های خود
در زمینه فرهنگی را متوقف ننمودند. جشنواره‌های موسیقی و برنامه‌های فرهنگی بین ترکیه و
اسرائیل، نهادسازی و رواج حس همدردی با یهودیان در رابطه با واقعه هولوکاست، فهم متقابل
بین یهودیان و مسلمانان را در منطقه خاورمیانه بوجود آورد. روند هویت‌سازی در رابطه ترکیه و
اسرائیل سبب مشروعیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه و بر روند عادی‌سازی بین کشورهای
منطقه و اسرائیل تأثیر مطلوب گذاشت.

منابع

الف: منابع فارسی

- آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۰). «نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه با تأکید بر دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، پاییز، صص ۶۱-۲۸.
- آهویی، مهدی؛ متین جاوید، مهدی (۱۳۹۱). «اهداف، اولویتهای و مخاطبان دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۵۹، صص ۲۰۴-۱۸۳.
- اسماعیلی، بشیر؛ زارعزاده، محمد و فلاح، محمد (۱۳۹۵). «افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، شماره ۲۸، صص ۱۹۸-۱۷۳.
- ابراهیمی، نبی‌الله؛ رشیدی، قدرت (۱۳۹۴). «پیامدهای امنیتی کشف گاز در مدیترانه شرقی»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۰۰-۷۱.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، تهران: دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- خادمی، محمد (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل تاریخی و هویتی در شکل‌گیری روابط ترکیه و اسرائیل»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa/>.
- سنایی، اردشیر (۱۳۹۰). «چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۰-۲۰۰۲)»، تهران: مطالعات روابط بین‌الملل، پاییز، شماره ۱۶، صص ۱۸۰-۱۵۱.
- سنایی، اردشیر؛ حیدری، شقایق (۱۳۸۷). «روابط ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه ۲۰۰۷-۲۰۰۲»، تهران: مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان، شماره ۵، صص ۵۸-۳۱.
- شمس، مرتضی (۱۳۷۷). «تهدیدهای نظامی-امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، قابل دسترسی <http://ensani.ir/fa/article/۱۵۰۳۵۹>.
- دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۹۲). قدرت‌یابی ترکیه؛ پیامدهای ژئواکونومیک برای ایران، کد موضوعی ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۳۵۵۰.
- رضازاده، سخاوت (۱۳۸۴). «ملاحظات مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، تهران: مجلس و راهبرد، پاییز، شماره ۴۸، صص ۲۷۲-۲۴۹.
- رحیم‌پور اصل، ایرج (۱۳۹۸). بررسی تأثیرات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) بر

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
- موازنه قدرت در خاورمیانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- سهرابی، محمد؛ جنتی، احسان (۱۳۹۴). «اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در فضای نوین منطقه‌ای»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶، پاییز.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «گسترش سلطه اقتصادی اسرائیل بر کشورهای خاورمیانه عربی»، دسترسی در: <https://www.aftabir.com>.
- میرحسینی، سیدمحسن؛ قیمی‌بشنو، فاطمه؛ رحیم‌پور اصل، ایرج (۱۳۹۷). «بررسی اصلاحات در ایران و ترکیه از منظر نوسازی از بالا (رضاشاه و آتاتورک)» مرکز همایش پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری، همایش ۱۴، صص ۱۱-۲.

ب: منابع لاتین

- Abdullah, S. (۱۹۹۵). “The Middle East Peace Dilemma: Bilateral Political Negotiation for Multilateral Economic Cooperation?”, <https://erf.org.eg>.
- Aras, B. (۲۰۰۹). “Turkey's Rise in the Greater Middle East: Peace-building in the Periphery”, Available at: <https://www.researchgate.net/publication/۲۳۳۱۹۸۶۹۰>.
- Ahmed Moustafa, M. (۱۹۹۵). “The Political Economy of the Peace Process in a Changing Middle East”, UNU World Institute for Development Economics Research (UNU/WIDER). Katajanokanlaituri ۶ B, ۰۰۱۶۰ Helsinki, Finland. ISSN ۱۲۳۸-۱۸۹۶, ISBN ۹۵۲-۹۵۲-۰۳۴-۴.
- Demir, M. (۲۰۱۷). “Mushc as cultural Diplomacy Between Israel and Turley(۲۰۰۸-۲۰۱۲)”, DOI: ۱۰,۷۸۱۶/idil-۰۶-۳۲-۰۴idil, ۲۰۱۷, Cilt ۶, Sayı ۳۲, Volume ۶, Issue ۳۲.
- Güvendiren, E. (۲۰۱۸). “Turkish-Israeli Rerations”, Cahiers d'études sur la Méditerranée, <https://www.researchgate.net/publication/۲۳۹۵۸۴۳۷۱>.
- Gal, Y & Rock, B. (۲۰۱۸). “Israeil-Egyption Tarade: In-Depth An Alysis”, TONYBLAIR INSTITUTE FOR GLOBAL CHANGE, <http://institute.global/insight/middle-east/Israel-egyption-trade-depth-anahysis> on October ۱۵ ۲۰۱۸.
- Polet, S. (۲۰۱۶). “CRISIS AND TOURISM IN TURKEY-ISRAEL RELATIONS,” Available at: <https://www.researchgate.net/publication/۳۰۱۵۷۹۲۴۷>, DOI: ۱۰,۱۷۷۱۹/jjisr.۲۰۱۶۴۳۱۷۶۵۸

بررسی پیامدهای اقتصادی-فرهنگی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه

-Lewis, A & Rabinovitch, A. (۲۰۲۰). “**UPDATE ۲-Israel starts exporting natural gas to Egypt under landmark deal,**” <https://www.reuters.com>.

-Wolfrum, S. (۲۰۱۹). “**Israel’s Contradictory Gas Export Policy**”, <https://www.ssoar.info>. <https://www.researchgate.net>.

<https://www.trt.net.tr>

<https://institute.global>

<http://economists-pick-research.hktdc.com>.